



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۰۸

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

برای

۲۲ ژوئن ۲۰۱۱ - ۱ تیر ۱۳۹۰

چهارشنبه ها منتشر میشود e.mail: siavash_d@yahoo.com

سر دبیر: سیاوش دانشور

پاسخ منصور حکمت به چند سوال،

در باره مجمع عمومی کارگران، هیأت نماینده، سندیکا و اتحادیه



شاهکار جدید صندوق بین المللی پول!

محاکمه بن علی و بانو! نسیم به عربستان میرسد؟

صفحه ۶

آذر ماجدی



اعتصابات کارگری در کانادا

یکبار دیگر تقابل دمکراسی با طبقه کارگر

صفحه ۸

جلیل بهروزی



نبرد در اروپا تعمیق می یابد

تحلیلی از اوضاع پیش رو

صفحه ۱۰

حامد محمدی



ایران به التحریر نیاز دارد!

صفحه ۱۲

پدرام نو اندیش

در صفحات دیگر، اخراج کارگران در کارخانه مزدا، تهاجم به منازل مردم در گیلان برای جمع آوری آنتنهای ماهواره، دعوی باندهای حکومتی در لنگرود، کارگران آب و فاضلاب اسلام شهر، اجتماع جوانان ترکیه، جلسه خانه حزب در آلمان، تظاهرات آنها در ۳۰ خرداد، و ...



میرحسین موسوی یک عامل مسلم قتلهای دهه شصت

صفحه ۱۴

علی طاهری



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

جدال در تاریکخانه

جمهوری اسلامی راسا نمایشنامه ضعف و ناتوانی حکومت را روی صحنه آورده است. در این نمایش خامنه ای تلاش میکند ضعف را "قدرت" و فروپاشی را "استحکام" جلوه دهد. به سر و وضع دولت احمدی نژاد نگاه کنید! در تبلیغات و توطئه های باندهای متفرقه اسلامی علیه دولتی که خود با اتکا به قتل و تجاوز سر کار آوردند دقیق شوید! به تهدیدهایی که بوی خون میدهد و هر روز توسط باندهای اسلامی علیه هم پرت میشود توجه کنید! این تصویر حکومتی است که دارد فرو می افتد. این تصویر حکومتی است که آتورپته ها و ارکانهایش وسیعا بی اعتبار شده اند. این تصویر حکومتی است که دسته جمعی دریافته اند با نسخه دیروز نمیتوان فردا سر کار ماند!

اما منشا تردیدها و تناقضات کنونی کجاست؟ چرا خامنه ای به سیاست زدن دولت و حفظ مترسک احمدی نژاد رو آورده است؟ آیا واقعا تیم احمدی نژاد - مشائی قدرتی غیر قابل حذف اند و سازشها و تمهیدات کنونی از قدرت آنها ناشی میشود؟ آیا این جماعت تازه بدوران رسیده بیشتر از رفسنجانی ها و موسوی ها و خط امامی ها در جمهوری اسلامی ریشه دارند؟

ما قبلا اشاره کردیم که سیاست زدن دولتیها، بستن دست و پای آنها، و تلاش ناموفق برای حفظ احمدی نژاد تا پایان دوره ریاست جمهوری اش، نه از لطف به این باند حکومتی بلکه از سر موقعیت ضعیف خامنه ای و کل طیف متحدین دیروز احمدی نژاد صورت میگیرد. بالاخره حکومتیها فهمیدند که هر مثنی که به صورت احمدی نژاد و یارانش میکوبند، صفحه ۲

جدال در تاریخخانه ...

ضربه ای به "رهبر" و خودشان نیز هست. لذا خامنه ای دستور داد که فتیله ها را پائین بکشند. گفت نگونید که دولت اینطور و آنطور است، بالاخره دارد کار میکند! این اظهارات نتیجه هیچ تغییری در سیاست حکومت در قبال تیم احمدی نژاد نیست بلکه صرفاً محاسباتی پراگماتیستی برای آرام نشان دادن اوضاع و انتقال تلاشها و تنش ها به پشت پرده است. و هر بار که سیاست حل اختلافات در اندرونی های نظام پیش برده میشود، در حلقه بعدی تناقضات شان با جنجال بیشتری بطور علنی خود را به حکومت تحمیل میکند. اما سیاست جدال در تاریخخانه دوامی ندارد. چون نمیتواند ضعف خامنه ای و شرکا را بپوشاند. مدت کوتاهی طول میکشد که ضرر این سیاست بر نفیج بچربد و مجدداً شمشیرها از رو علیه هم کشیده شود.

ریشه های جهانی تشدید بحران

جمهوری اسلامی حکومت بحران است. بحران همواره یک جز لاینجزای رژیم اسلامی بوده است. این حکومت در داخل مبتنی بر سرکوب شدید سیاسی و در خارج مبتنی بر تروریسم بوده است. سازماندهی تروریسم اسلامی و گروگانگیری و معامله با لابی های متفرقه و باجگیری یک رکن سیاست منطقه ای و جهانی اسلام سیاسی بوده است. جمهوری اسلامی اساساً بدلیل نخواستن مردم، بدلیل تناقض اش با روش زندگی مردم و تاریخ آن جامعه، بدلیل ناتوانی اش در اداره یک جامعه سرمایه داری و پاسخ دادن به ملزومات آن، همواره با بحران مواجه بوده است و تنها ابزار سرپا ماندنش نیز سرکوب سیاسی و حذف مخالفین حکومت بوده است. رویدادهای جهانی بحران حکومت را لاعلاج تر کرده است. چند مسئله در تعمیق بحران رژیم اسلامی تعیین کننده اند:

بحران اقتصادی جهان سرمایه داری

امواج بحران اقتصادی موقعیت حکومت اسلامی را به شدت وخیم تر کرد. در جایی که دولتهای سرمایه داری پیشرفته علیرغم تهاجمات سنگین به طبقه کارگر مثل خر در گل گیر کرده اند و شب و روز در کابوس سقوط اقتصادی و پیامدهای سیاسی تشدید بحران اقتصادی اند، جمهوری اسلامی با اقتصادی ورشکسته و بیرون افتاده از جهان سرمایه داری قادر به حفظ وضع سابق هم نیست. نه تلاش حکومت برای انطباق خود با سیاستهای ریاضت اقتصادی و حذف سوبسیدها و نه حتی افزایش سرسام آور قیمت نفت بداد حکومت نرسید و شاخص های اقتصادی مرتباً سقوط کردند. وضعیت بجائی رسید که آزریر سقوط اقتصادی و ورشکستگی گسترده بانکی بصدا درآمد. یک پاشنه آشیل حکومت فلج همه جانبه اوضاع وخیم اقتصادی است.

رویدادهای انقلابی

خیزش انقلابی در تونس و مصر و سپس در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا روندهای قدیمی را در قلمرو سیاست جهانی به بن بست کشاند. معلوم شد مردم منطقه ای که دهه های متمادی با مهر جعلی "کشورهای اسلامی" منکوب شده بودند، مردمی که حق و آزادیشان توسط تاریخ فکران نظم نوینی و پست مدرنیست در چهارچوب "فرهنگ اسلامی و قومی" و معیارهای عهد عتیق زندانی شده بود، ناگهان چهره دنیا را تغییر دادند! آنچنان تغییری که الگوی تحریر را به اسپانیا و فرانسه و چکسلواکی و یونان و ترکیه برد و دمکراسی را در

مهد آن بی اعتبار کرد. در این "کشورهای اسلامی" که اکنون با موج انقلابی روبرو هستند، کسی نه اسلام را اعاده کرد، نه "مرگ بر آمریکا" گفت، نه "تنکیو بوش" گفت، نه به پرچمهای قدیمی تر و سنت دارتر ناسیونالیسم عربی چسبید. این رویدادها پدیده ای نوین و متکی بر آخرین دستاوردهای بشری بود که همه بازیگران سیاست طبقه حاکم را از کاخ سفید تا جماران خامنه ای کیش و مات کرد. با عروج جنبشهای ضد کاپیتالیستی، اسلام سیاسی در سرازیری قرار گرفت و مهد آن یعنی جمهوری اسلامی در بحران عمیق تری فرو رفت.

ایران در نوبت

عروج جنبش سرنگونی در پس نمایش انتخابات در ایران در سال ۸۸ که به اعتراف خود نظام تا سقوط تهران پیش رفت، بحران حکومت را تشدید کرد. اولاً، این اتفاق پرونده اصلاح طلبی اسلامی را برای همیشه بست و حکومت اسلامی ناچار به جراحی اصلاح طلبان یعنی "یک بال نظام" شد. ثانیاً، در متن جنگ و گریز خیابانی معلوم شد چه نفعی از حکومت اسلامی و شخص خامنه ای در آن مملکت تلنبار شده است. ثالثاً، سرپا نگهداشتن روزمره نظام به حکومت نظامی و قدرت اوپاش متکی شد. عملکرد اوپاش و تعدی های فوق برنامه به مردم که هر روز یک آبروریزی بیار می آورد، اگر برای بخشی از حکومتیها به سقوط اخلاقی حکومت اسلامی ترجمه شد، برای مردم اما ماهیت اسلام و قوانین اسلامی و اتکای واقعی حکومت به اوپاش بیش از پیش مسجل شد. و بالاخره بعد از وقفه ای در سرکوب خشن مردم انفجارهای سیاسی زنجیره ای در منطقه شروع شد. امری که حکومت اسلامی را زیر نور قرار داد و شعار "نوبت سید علی" را به ذهنیتی همگانی تبدیل کرد. بویژه با موج برگشتن علیه اسلام سیاسی، سقوط قریب الوقوع حکومت سوریه، فلج شدن حماس و حزب الله لبنان، و برچیده شدن و یا محدود شدن امکانات تروریستی رژیم در شمال آفریقا، حلقه محاصره جمهوری اسلامی تنگ تر شد.

سقوط و فروپاشی تنها افق مقابل نظام اسلامی است.

تلاش جدید برای بقا

جمهوری اسلامی و جناحهای متفرقه اش بیش از هر کسی به وضعیت بحرانی حکومت آگاهند. در چنین وضعیتی تلاش برای بقای حکومت به هر قیمتی به جلو رانده میشود. شعارهای پوچ احمدی نژاد و تبلیغات خامنه ای و شرکا اساس سیاست آنها را تشکیل نمیدهد. جمهوری اسلامی از وحشت درگیر شدن با مسئله ای جدید فوراً از سیاست دخالت در بحریں و کشورهای دیگر فاصله گرفت و اظهارات نجویده سران سپاه را کنترل کرد. احمدی نژاد علیرغم همه مانورهای ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی اش متهم به برقراری رابطه پنهانی با آمریکا و دادن قول هائی مبنی بر توافق برسر مسئله هسته ای و عادیسازی روابط خارجی است. این نکته البته در ساختار سیاسی تو در تو حکومت اسلامی جدید نیست و دولتهای رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد، هر کدام به روشی، تلاش داشتند این تصویر را به غرب بدهند و فرصت بخرند. غرب نیز روی جناحها و نیروهائی که "میتوانند از درون قلعه دروازه را باز کنند" همواره حساب کرده است. معضل احمدی نژاد اما همان معضل رفسنجانی و خاتمی است. هر نوع تجدید نظری در چهارچوبهای سیاسی و ایدئولوژیکی حکومت اسلامی منوط به عبور از نهادهای بالای نظام و یک جنگ خونین درون حکومتی است. از طرف مقابل نیز اتهامات "جاسوسی و فساد اقتصادی" و غیره روکش همین مقاومت است. تقابل احمدی نژاد و خامنه ای در متن این بحران همه جانبه و محدودیتهای رژیم اسلامی معنا پیدا میکند. با حذف باند احمدی نژاد نیز همین داستان با اسامی رمز دیگری جریان خواهد داشت. جناح ها بازسازی میشوند و کشمکش برسر بقای نظام اشکال جدیدی بخود میگیرد. جمهوری اسلامی نمیتواند به پدیده ثالتی تبدیل شود. جمهوری اسلامی اول،

جدال

در تاریکخانه ...

جمهوری اسلامی آخر است.

چشم اندازه‌ها

نه خامنه ای قادر است به سیاست یکی به نعل و یکی به میخ ادامه دهد و نه شتاب اوضاع و فاکتورهای داخلی و خارجی چنین فرجه ای را برای جمهوری اسلامی باز نگهمیدارد. احتمال سقوط دولت احمدی نژاد زیاد است. این برای حکومت اسلامی مطلوب نیست اما ضروری شده است. نکته اینست که این پروسه بدون دردسر و بدون تقابل خونین پیش نخواهد رفت و تمام دست و پا لرزیدن های طرفین برسر اینست که نتیجه ورود به فاز جدید چه خواهد بود؟ اما موقعیت کنونی نیز شکننده است و ناچاراً از مجاری جدیدی جنگ و تقابل تشدید میشود. مباحث مربوط به نمایش انتخابات مجلس و وحشت تقاب از هر سو، جار زدن گندیدگی و فساد و بی اعتباری نظام اسلامی از سوی سران آنست.

خامنه ای برای اجرای یک انتخابات کنترل شده و فرستادن اکثریتی از حلقه بگوشان به مجلس و حتی قلیلی بی تاثیر از اصلاح طلبان و طرفداران رفسنجانی بعنوان دکور مشکلی ندارد. مشکل اساسی اینست که آیا احمدی نژاد به این پروسه تمکین میکند یا نه؟ چون اگر سرکار بماند، با همان روشی که رقبا رای جمع و جعل میکنند او هم به همان روش از موقعیت اش دفاع خواهد کرد. لذا در این مقطع نمایش انتخابات برای طرفین جایگاه مهمی پیدا میکند. به همین دلیل زمان برای جدی شدن تهدیدات خونین باندهای حکومتی بسرعت نزدیک میشود. در این فاصله انواع پروژه ها میتواند کلید بخورد.

جوهر این تقابله حفظ نظام از "خطر" سرنگونی است. خطری که با رویدادهای منطقه ای و جهانی و گسیختگی حکومت بیشتر شده است. سیاست جدال در تاریکخانه بسرعت جای خود را به سیاست جنگ علنی و حاد میدهد. مردمی که در کمین جمهوری اسلامی اند باید بشدت هوشیار باشند.*

اطلاعیه حزب در باره کشتار غیر نظامیان در لیبی:

حمله به مناطق مسکونی و کشتار غیر نظامیان در لیبی را قویا محکوم میکنیم!

حملات نظامی آمریکا و ناتو به لیبی که به بهانه جلوگیری از کشتار شهروندان این کشور توسط دولت قذافی آغاز شده بود تاکنون خود منجر به کشته و مجروح شدن دهها تن از افراد غیر نظامی در این کشور شده است. آمار کشته شدگان همچنان در حال گسترش است. در آخرین حمله به مناطق مسکونی ۱۵ تن، که سه کودک در میان آنها بود، جان باختند.

ما بار دیگر تاکید میکنیم که اقدام نظامی ناتو دارای هیچگونه اهداف انسان دوستانه ای نیست. تلاشی است برای وارد کردن ماشین جنگی دولتهای غربی در تغییر و تحولات لیبی و خاورمیانه. تلاشی است برای حقه کردن دولتهای دست راستی و محافظه کار پرو غربی به مردم بپا خواسته در این جوامع. گوشه ای از نمایش قلدری و میلیتاریسم این دولتها در کنترل و خفه کردن اعتراضات مردم این جوامع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این اقدامات را بعنوان جنایت جنگی قویا محکوم میکند. تاکید میکنیم که "هرنوع حمله نیروهای آمریکا و مونتلفینش به مردم غیر نظامی لیبی و تخریب شهرها و روستاها و زیرساختها و وسائل مادی زندگی شان را محکوم میکنیم. ما هرنوع بند و بست و تلاش آمریکا و دولتهای غربی و حکومتهای مرتجع عربی را برای حقه کردن یک دارو دسته دیگر بر مردم لیبی محکوم میکنیم."

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱ تیر ۱۳۹۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱

به رادیو یک دنیای بهتر کمک مالی کنید!

کمکهای مالی دریافتی:

سوند: شری 200 کرون، محمد 200 کرون، عباس 100 کرون، دوست دار حزب 150 کرون.

شماره حساب جهت ارسال کمک مالی در اسکاندیناوی:

NORDEA

SE34 9500 0099 6034 1501 5738

NDEASESS

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپانی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/



خود آن نیست. سنت شورایی باید آگاهانه بدون جنبش کارگری ایران برده شود و برای آن تبلیغ شود. باید فعالین کمونیسم کارگری در ایران فعالین جنبش شورایی باشند. به معنی جنبش خود-سازمانیابی وسیع طبقه کارگر برای دخالت در سرنوشت جامعه و در امر قدرت و اداره امور.

سؤال ۴- اتفاقا تمام زیبایی جنبش مجمع عمومی در همین است که چپ است بدون آنکه تخیلی باشد. چپ است و از همه آلترناتیوها شدنی تر است. چپ است برای اینکه توده وسیع کارگران را به میدان میکشد. شدنی تر است برای اینکه بجای اینکه تشکل کارگری را به رضایت دولت و سازمان امنیت و تساهل رئیس جمهور و بلند شدن رهبر از دنده مدنی، گره بزند، بجای اینکه برای راه اندازی اش رهبران کارگری را به جلسات پنهانی فرابخواند و به خطرشان بیاندازد، بجای اینکه اساسنامه های من درآوردی و مقررات دلبخواهی وضع کند و برود و بیاورد تا رضایت گرایش را جلب کند، از کارگران میخواهد که جلوی چشم دولت و کارفرما نقایقی چند در کانتین جمع شوند و راجع به یک موضوع نظرشان را بگویند و حکمی را تصویب کنند که بشود بنام کارگران و با مسئولیت همه کارگران و بعنوان مطالبه همه کارگران جلوی مقامات گذاشت. هیچ نیرویی در دنیا نمیتواند مانع جمع شدن علنی کارگران ناراضی یک واحد برای چاره جویی بشود. در این روش دست دولت و کارفرما بسته تر است. کسی را نمیتواند انگشت نما و اخراج

کارگران در یک واحد، سلول پایه آن است. شوراها کارگری دوران انقلاب، کمیته هایی متشکل از نمایندگان از کارگران بود. بنظر من آن نوع شوراها، یعنی کمیته های کارخانه، مطمئنا دوباره عروج میکنند. بنظر من این نهاد با این واقعیت خوانایی داشت و هنوز دارد که جنبش کارگری ایران یک الیت سیاسی و یک بافت رهبری عملی غیر رسمی دارد که هیچوقت این امکان را نداشته اند در یک ساختار اتحادیه ای پایدار به رهبران رسمی و مسئولان اتحادیه ای تبدیل بشوند. تلاش برای راه اندازی تشکلهای کارگری و بخصوص برای تأمین رهبری کارگران در جدالهای جاری با دولت و کارفرما در خون اینهاست. بمجرد اینکه تناسب قوا اجازه بدهد این رفقا در سطح کارخانه ای و حتی فراکارخانه ای یک شکل علنی به وحدت عمل مبارزاتی خود میدهند و نوعی رهبری عملی و علنی برای کارگران تشکیل میدهند. این جنبش اتحادیه ای نیست. رادیکال تر از آن است، سوسیالیست است. اما جنبش شورایی هم نیست، چون اساسا، با الهام قوی از سنت اتحادیه ای، به نمایندگی کردن کارگران در مقابل دشمن معطوف است و نه به خود-سازمانیابی توده کارگری برای ابراز وجود طبقاتی و اعمال حاکمیت (که بنیاد جنبش شورایی است). اینکه وضعیت انقلابی و فرار سرمایه داران و مصادره ها در انقلاب ۵۷ این کمیته ها (شوراها) را به قلمرو کنترل کارگری کشید هنوز تغییری در این واقعیت نمیدهد که اساس کار اینها نمایندگی کردن کارگر در قبال دولت و کارفرما بود و نه بدست گرفتن قدرت یا اداره امور جامعه. بنظر من این جنبش شورایی نوع سال ۵۷، که همانطور که گفتیم شاید جنبش کمیته های کارخانه عنوان بهتری برای آن بود، منعکس کننده این واقعیت است که جنبش کارگری در ایران بسرعت رادیکال میشود و از کنار ایده های سندیکایی عبور میکند، بدون اینکه یک سنت حزبی کمونیستی کارگری شورایی در سطح جامعه قد علم کرده باشد و به این رادیکالیسم کارگری امکان جبهه گیری سیاسی در قبال مسأله دولت و حاکمیت را بدهد. این جنبش ماتریالی جنبش شورایی در ایران است، اما بخودی خود هنوز

پاسخ منصور حکمت به چند سوال،

در باره مجمع عمومی کارگران، هیأت نمایندگی، سندیکا و اتحادیه

سؤال ۱- آنقدر طبیعی است که برای هیچکس نمیتوان بخاطر راه انداختن آن پاپوش دوخت. هیچ رژیم نمیتواند با مجمع وسیع کارگران همان رفتار سرکوبگرانه و پلیسی ای را بکند که به یک هیأت نمایندگی، هسته مخفی یا هیأت مؤسس اتحادیه مخفی میکند. مجمع عمومی شکل ایده آل به میدان آمدن کارگر بصورت متشکل و علنی است، یعنی به آن شکلی که قدرت کارگر به معنی واقعی کلمه به نمایش در میآید. کارگر منفرد در هسته مخفی زور بیشتری از دانشجوی منفرد در هسته مخفی ندارد. اما کارگر مجتمع در مجمع عمومی یک قدرت واقعی است، چرا که کارگر در علنی بودن و توده ای بودن حرکتش است که میتواند بعنوان کارگر قد علم کند.

سؤال ۲- هیأت نمایندگی کارگری، فی نفسه هنوز تشکل توده ای کارگری نیست. چون نه یک ساختار ماندگار ایجاد میکند و نه ظرفی برای توده کارگران (که عضو هیأت نمایندگی نیستند) تعریف میکند. شک نیست که تحمیل نمایندگان خود به کارفرما و دولت، گرفتن نوعی مصونیت دوفاکتو برای آنها در مقابل رژیم (بعنوان کسانی که وکیل کارگراند و باید از منفعت آنها دفاع کنند)، شناساندن چهره های کارگری و تبدیل آنها به رهبران عملی در مقیاس سراسری، حمایت توده ای از نمایندگان و غیره، همگی طبقه کارگری را که از حداقل تشکل توده ای محروم است در صحنه مبارزه قوی تر میکند و بسیار مفید است. اما این هنوز سؤالی را که یک فعال کمونیست کارگری در جنبش کارگری جلوی خود گذاشته است پاسخ نمیدهد. سؤال اینست: چگونه میتوان ظرفی، تشکیلاتی، برای شرکت و ابراز وجود

سؤال ۳- شوراها کارگری در انقلاب ۵۷ اساسا کمیته های کارخانه بودند و نه شورا به معنایی که جنبش شورایی مد نظر دارد، یعنی جنبشی که اجتماع (مجمع عمومی)

در باره مجمع عمومی کارگران، هیأت نمایندگی، سندیکا و اتحادیه ...

گزارشی از گیلان،

لنگرود، لاهیجان، رشت

یورش به خانه های مردم به دنبال بشقابهای ماهواره!

لیلا احمدی

در طی روزهای گذشته موج گسترده ای از تهاجم وحشیانه حکومت اسلامی به زندگی خصوصی مردم در استان گیلان بخصوص در شهرهای رشت و لنگرود و لاهیجان شروع شده است.

در رشت و لاهیجان سرکوبگران حکومتی با زور و بیحرمتی و توهین وارد منازل مردم میشوند و به بازرسی برای کشف و جمع آوری گیرنده های ماهواره میپردازند. ایجاد ارباب جمعی یک گوشه این عملیات ها است. در مواردی مردم و جوانان با اعتراض و مخالفت خود با ماموران حکومتی درگیر شده و دست به مقاومت زده اند. در لنگرود موج خانه گردیها گسترده بوده و در روزهای گذشته محلات جاده چمخاله، آقا سید عبدالله، فرهنگیان و ... از جانب نیروی انتظامی مورد تفتیش قرار گرفته اند.

دیروز چهارشنبه بیست و پنجم خرداد ماه در حوالی ظهر خانه های مردم در محله کمربندی لنگرود مورد یورش اوباش حکومتی قرار میگیرد. بنا به اخباری جوانان و مردم محله کمربندی در مواردی با ماموران حکومت درگیر شده اند. خانه گردی و یورش به زندگی خصوصی مردم به بهانه کشف و جمع آوری آنتن های ماهواره در دیگر شهرهای استان گیلان ادامه دارد. مردم با روحیه بالا و قابل ستایش ضمن درگیری با ماموران از باز نمودن درب منازل به روی اوباش سرکوبگر خودداری نموده و با جایگزین نمودن گیرنده های ماهواره ای جدید به مخالفت و مقابله خود با حکومت اسلامی ادامه میدهند.

این روزها علاوه بر خانه گردیها در استان گیلان از جانب حکومت اسلامی تهاجم گسترده ای به زنان و جوانان به بهانه مبارزه با بد حجابی و بی حجابی شروع شده است. خیابانها و معابر عمومی در لنگرود و لاهیجان و رشت و دیگر شهرهای استان گیلان، هر روز و هر ساعت شاهد اعتراض و درگیری زنان و جوانان با ماموران و مزدوران جنایتکار حکومت اسلامی است.*

جامعه میان دو سوی خرید و فروش نیروی کار در بازار است. سندیکا بعنوان بخشی از یک رژیم و نظام سیاسی خاص امکان شکستن و تداوم داشتن دارد. بدون پارلمان، بدون سوسیال دموکراسی، بدون تقدس بازار، بدون سنت قوی قانونگرایی بورژوازی در جامعه، بدون ثبات سیاسی و بطور خلاصه بدون یک مجموعه روابط سیاسی، اداری و حقوقی در جامعه که اتحادیه کارگری بخش موجه و پذیرفته شده ای از آن تعریف شده باشد، سندیکاسازی راه بجایی نمیرسد. حتما بعضی در نقد این نظر مثال سندیکاهای انقلابی در برخی کشورهای دیکتاتوری و یا اتحادیه های آفریقای جنوبی را پیش خواهند کشید. اما این مثالها مربوط نیست، چون قرار بود دوستان سندیکاساز ما شدنی بودن و "قابل گرفتن" بودن سندیکاهای متعارف را نشان بدهند. شک دارم کسی بتواند اجازه سندیکای انقلابی را از مسئولین و مامورین تقسیم معجون جامعه مدنی در ایران بگیرد.

با اینحال هر فعال جنبش کمونیسم کارگری مدافعان سندیکا را تشویق میکند که اگر چیزی را میشود "گرفت" حتما بگیرند. قبلا هم گفته ام، ما هیچ دو خشتی که کارگران روی هم گذاشته باشند را بر نمیچنینیم. ما آلترناتیو خود را تبلیغ میکنیم و میکوشیم کارساز بودن و عملی بودن آن را نشان بدهیم، کاری که انتظار داریم سندیکائی ها هم بکنند.

سؤال ۵- بنظر من ایدا ما نباید برخوردارمان را به اتحادیه گرایی در کشورهای جهان سوم تند کنیم. یادمان باشد داریم در مورد طبقه کارگری حرف میزنیم که در قلمرو سیاسی و اقتصادی بشدت تحت سرکوب و حمله است و به زور از حداقلی از تشکل برای ابراز وجود صنفی و سیاسی برخوردار است. نشان دادن ناتوانی تاریخی اتحادیه ها بنظر من باید با ارجاع به سنت اروپا و آمریکا انجام بشود.*

کند. به کسی نمیتواند اتهام توطئه گری بزنند، کارگر را نمیتواند تک گیر بیاورند و بترسانند، نمیتواند رهبر و فعال کارگری را منزوی کنند و بکوبند. چون حرف حرف مجمع عمومی است.

جنبش مجمع عمومی یعنی جنبشی که سعی میکند در هر واحد و کارگاه مجمع عمومی راه بیاندازد و خواست کارگران را به مصوبه رسمی آن تبدیل کند و اجتماع کارگران را به ضامن اجرایی آن تبدیل کند. یک عمل طبیعی و نسبتا عملی (تجمع فیزیکی کارگران) فوراً سنگ بنای یک تشکیلات توده ای و یک اراده واحد میشود. برای جنبش شورایی این یک نقطه شروع واقعی است. برای مبارزات جاری، این یک ظرف بسیار مناسب تأمین رهبری و بسیج و متحد کردن صفوف کارگران است. نفس این تجمع نوعی آکسیون و قدرت نمایی علنی کارگران محسوب میشود و روحیه بخش است. از همان ابتدا همه چیز علنی و شرکت در آن برای هر کارگر در هر استنطاقی قابل دفاع است. دست دولت برای برهم زدن و انگ زدن به آن بسته است. بله چپ است. اما عملی ترین روش است.

در مورد سندیکا و ایده "یک چیزی بگوئید که بشود گرفت" چند کلمه بگویم. اولاً، سندیکا آلترناتیو شورا نیست، شورا هم مزاحم ایجاد سندیکا نیست. اینکه چرا در ایران سندیکای مستقل از دولت نداریم، سوالی است که پاسخش را باید جنبش سندیکایی پیدا کند و برای همه ما توضیح بدهد. اگر از من بپرسند، میگویم در ایران سندیکالیسم پا نمیگیرد برای اینکه سندیکا، بخصوص در دوره و زمانه ما محصول جنبش عمل مستقیم کارگری نیست، بلکه جزئی از یک مدل اداری- سیاسی در جامعه است. سندیکا بخشی از یک توازن و حتی توافق وسیعتر در

کتاب کنترل کارگری را
از سایت حزب دریافت و
توزیع کنید!

در حاشیه هفته،

شاهکار جدید صندوق بین المللی پول!

آذر ماجدی



پاسخی نداده است. سیستم قضایی تونس اعلام کرده است که اتهامات دیگر این دو تن در دادگاه دیگری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما مساله اینجاست که بسیاری در تونس این دادگاه را یک نمایش مسخره توصیف کرده اند. اغلب مردم خواهان آن بوده اند که بن علی و همسرش که



بخاطر دزدی، جنایت و فساد بشدت مورد تنفر اند، در دادگاه حضور داشته باشند. برخی تعجیل دولت برای محاکمه این دو نفر را مورد سوال قرار داده اند. اعلام می شود که این فقط یک نمایش است، زیرا بن علی و همسرش هیچگاه نه زندانی خواهند شد و نه صناعی از پول های اختلاس شده را پس خواهند داد.

روزنامه الصباح در این مورد چنین نوشته است: احکام دادگاه هر چقدر هم سنگین باشد "قادر نیست آتش مردم تونس را که امید داشتند ساقط شده (لقب جدید بن علی در تونس) در یک دادگاه واقعی محاکمه شود را خاموش کند. این محاکمه نمی تواند اعتماد مردم را جلب کند." بنظر می رسد که تحت فشار مردم برای عدالت، دولت تونس تصمیم گرفته است که یک دادگاه نمایشی ترتیب دهد و قائله را ختم کند. این نیز یک نمایش دیگر در استراتژی احیای وضع سابق و به خانه بازگرداندن مردم توسط دولت تونس و دول غربی است. دولت آمریکا بلافاصله این محاکمه را "قدمی بجلو" صفحه ۷

لذا تصویر دقیقی از وضعیت اقتصادی ایران بدست نمی دهد. این کارشناسان سرمایه به دو جبهه اصلاح طلبان حکومتی و ناسیونالیسم پرو غرب متعلق اند. این دو جبهه صحنه سیاست ایران، از تعریف از رژیم اسلامی و دولت احمدی نژاد لب ور می چینند، نه بخاطر مشقت و فلاکتی که به مردم تحمیل کرده است، بلکه بخاطر دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیک خویش. یکی رژیم اسلامی بزک شده به رهبری اصلاح طلبان یا با شرکت آنها در حکومت میخواهد؛ دیگری احیای رژیم سابق، یک نظام سرمایه داری ادغام شده در بازار جهانی با همین نرخ استثمار برده وار، اما همراه قدرت های غربی.

نمایش مسخره محاکمه بن علی و بانو!

دوشنبه ۲۰ ژوئن، دولت تونس زین العابدین بن علی و همسرش لیلیا تراپلسی را در غیبت به اتهام



اختلاس، پول شویی و قاچاق مواد مخدر محاکمه کرد. گفته می شود که این محاکمه بدنبال کشف حدود ۲۷ میلیون دلار جواهر و پول نقد و مواد مخدر و اسلحه در دو قصر بن علی در خارج تونس، شکل گرفته است. این دادگاه بن علی و همسرش را هر یک به ۳۵ سال حبس و پرداخت ۶۶ میلیون دلار جریمه برای دو جرم دزدی و تصاحب غیرقانونی پول و جواهر محکوم کرد. بن علی و همسرش در ۱۴ ژانویه به عربستان سعودی فرار کردند و عربستان به تقاضای دولت تونس برای پس فرستادن آنها

بخاطر فقر از تحصیل محروم شده اند و برای بدست آوردن لقمه نانی روانه خیابان ها شده اند؛ در وضعیتی که فقر، فلاکت و بیکاری بخش وسیعی از مردم، بویژه جوانان را به فحشا و اعتیاد کشانده است؛ در شرایطی که حاکمان جنایتکار اسلامی از ریز و درشت میلیون میلیون دلار پول و سرمایه از کشور خارج میکنند؛ صندوق بین المللی پول رژیم اسلامی را بخاطر حذف سوبسیدها و تحمیل فقر و فلاکت افزون تر بر مردم مورد تحسین و تشویق قرار داده است. این ماهیت واقعی و کتیف سرمایه است که از این گزارش بیرون می زند. بعلاوه، باید توجه داشت که خیزش وسیع و توده ای در منطقه رژیم های مطلقه سرمایه را به سرپیچی از حکم آی ام اف، وادار به عقب نشینی در زمینه حذف سوبسیدها نمود. آی ام اف از این فرصت دارد استفاده می کند تا حکم سرمایه را به دولت های سرمایه داری جهان یادآوری کند: "اگر این سیاست ریاضت کشی برده وار پیاده نشود، نظام سرمایه داری قادر به عبور از این دور بحران نخواهد بود."

در این میان عکس العمل برخی از کارشناسان سرمایه جالب توجه است. تعدادی از کارشناسان اقتصادی ایرانی الاصل شاغل در نهادهای بین المللی این گزارش را مورد نقد قرار داده اند؛ نه بخاطر اینکه فقر و فلاکت روز افزون و گرسنگی مردم را مورد تحسین قرار می دهد، خیر. از این زاویه که در مورد کاهش نرخ تورم و رشد اقتصاد صرفا بر ارقام و آمار دولت تکیه کرده و

صندوق بین المللی پول (آی ام اف) یکی از منفورترین نهادهای سرمایه داری است. نام صندوق بین المللی پول با ریاضت کشی، فقر و فلاکت، استثمار وحشیانه و بیگاری تداعی می شود. البته اخیرا بدنبال دستگیری استراس خان، رئیس این نهاد به اتهام حمله به یک زن کارکن هتل به قصد تجاوز و افشای رواج ایذا جنسی در کل این سازمان، مساله سواستفاده جنسی نیز به این لیست اضافه شده است. شاهکار جدید آی ام اف، گزارشی است که



بدنبال بازدید هیاتی در فاصله ۲۸ ماه مه تا ۹ ژوئن از ایران، درباره وضعیت اقتصادی ایران منتشر کرده است. این گزارش سیاست ها و عملکرد اقتصادی رژیم اسلامی، بویژه دولت احمدی نژاد را بخاطر "کاهش تورم، افزایش رشد اقتصادی" و از همه مهمتر بخاطر "حذف سریع ۶۰ میلیارد دلار سوبسید" کالاهای اساسی مورد تحسین و تشویق قرار داده است. این گزارش انتقادهای متفاوتی را از زوایای مختلف اقتصادی- ایدئولوژیک موجب شده است.

در شرایطی که مردم ایران انزجار زانداالوصف خویش از رژیم اسلامی را به صراحت ابراز می کنند و از هر فرصتی برای تضعیف و به زیر کشیدن آن سود می جویند؛ در شرایطی که فقر و فلاکت در کشور موج می زند و اکثریت مردم زیر خط فقر زندگی می کنند؛ کودکان بسیاری

در حاشیه هفته ...



نامید. تلاش های مشابه ای نیز در مصر در انجام است. قرار است مبارک و پسرش را در غیبت محاکمه کنند. وکیل مبارک اعلام کرده است که او به علت سرطان نمی تواند در دادگاه حضور داشته باشد. یک جدال دائمی میان هیات حاکمه و مردم در جریان است. تاکتیک فراری دادن راس حکومت آنطور که انتظار می رفت نتوانست مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه را خاموش کند و پایان بخشد. دولت تونس هر از چند گاهی در مقابل یکی از خواست های مردم عقب می نشیند و به کار خود برای احیای نظم سابق ادامه می دهد. تنها راه دستیابی مردم به آزادی، برابری و رفاه سرنگون کردن کل نظام حکومتی به همراه نظام سرمایه داری است. وگرنه این بازی فرسایشی مردم را خسته و ناامید خواهد کرد و حکومت های فعلی نظم سابق را کاملا احیا خواهند کرد.

نسیم منطقه به عربستان سعودی می رسد؟

شش ماه اخیر شاهد خیزش مردم منطقه از یک کشور به کشور

دیگر بوده است. یک آتش فشان انقلابی کل منطقه را در بر گرفته است. در عرض شش ماه اتفاقاتی در این گوشه از جهان رخ داده است که در مخیله هیچیک از کارشناسان، ناظرین و محققین رسانه ای، آکادمیک و انستیتوهای استراتژیک جهانی هم نمی گنجید. دیکتاتورهای بیست سی ساله ساقط شده اند و مردم هنوز دارند برای خواستهای خود مبارزه می کنند. خواست آزادی برابری و رفاه به روشنی بر پیشانی منطقه حک شده است. روسای سرمایه جهانی به تکاپو افتاده اند، از یک مجمع سران به یکی دیگر می روند، تاکتیک های مختلف را امتحان می کنند، قول پول می دهند، ارتش شان را درگیر کرده اند. هیات حاکمه عربستان سعودی سبیل ارتجاع قرون وسطی، دزدی و فساد نظام سرمایه داری، پشتیبان محکم سرمایه جهانی، دوست تمام آدمکشان و قاچاقچی های بین المللی، ماوای جانین از دست مردم گریخته، هنوز بی اعتنا به این آتش فشان مشغول چپاول و دزدی است.

اما نسیم آنچه به "بهار عرب" معروف شده است بالاخره به عربستان هم رسید. فعلا این نسیم، زنان را در عربستان سعودی تکانی داده است. اعتراض به ممنوعیت رانندگی زنان برخی زنان را به سرپیچی کشانده است. این زنان علیرغم غیرقانونی بودن رانندگی زنان پشت فرمان نشسته و رانندگی می کنند. خانم هیلاری کلینتون که گفته می شود تاکنون پشت درهای بسته با روسای حکومت سعودی برای الغای این ممنوعیت مشغول مذاکره بوده، اکنون صریحا از این خواست زنان دفاع کرده و به این معترضین تبریک گفته است. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در پاسخ به سوال خبرنگاران در این مورد گفته است: "بعضی موقع لازم است دیپلماسی ساکت داشت، بعضی موقع دیپلماسی صریح!" باید توجه داشت که اقتصاد عظیم نفتی عربستان سعودی را تماما کارگران مهاجر می چرخانند. کارگرانی که حکم برده را دارند و عموما از

کشورهای منطقه برای تامین معاش خانواده هایشان به عربستان می روند و به این شرایط برده وار بالاجبار تن می دهند. لذا اعتراضاتی مشابه کشورهای دیگر منطقه در عربستان سعودی محتمل بنظر نمی رسد. اما زنان در این میان تحت تاثیر موج تغییرات و آزادیخواهی منطقه برای خواستهایی این چنین پایه ای دست به اعتراض زده اند. علت پشتیبانی خانم کلینتون را هم نباید در تعلق ایشان به امر برابری زنان، بلکه در پرتو استراتژی وسیع تر آمریکا در منطقه باید جستجو کرد. آمریکا دارد بشدت می کوشد تا سیمای آزادیخواه تر و معتدل تری از خود به منطقه ارائه دهد. آمریکا بخاطر حمایت بی قید و شرطش از عربستان سعودی بشدت مورد انتقاد مردم منطقه قرار دارد. اینهم مانوری است برای بزک کردن چهره آمریکا.*

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و بدست دوستانتان برسانید! **یک دنیای بهتر** مانیفست امروز طبقه کارگر علیه سرمایه داری است! **یک دنیای بهتر** برنامه حکومت کارگری برای آزادی جامعه است!



بزرگ برای حفظ دستاوردهای رفاهی خود شدند و از حمایت و تحسین وسیع جامعه نیز برخوردار گشتند.

اما نقش اتحادیه های کارگری در به زمین نشاندن این اعتصابها را نباید از یاد برد. جدا از نقش تاریخی اتحادیه ها بعنوان يك اهرم سازش و ایجاد تعادل بین دو طبقه متخاصم، کارگر و سرمایه دار، بطور مشخص اتحادیه پست با پیش گیری تاکتیک اعتصاب موضعی و چرخشی از همان ابتدا تیر خلاص را به مبارزه و قدرت ۴۸۰۰۰ کارگر پست وارد کرد. و با بطور نمونه اتحادیه اتومبیل سازان، سی ای دبلو، بعنوان رهبر اعتصاب کارگران هواپیمایی ایرکانادا که سابقه سازشکاری و راست بودن آن بر همه آشکار است، با عدم سازمان دادن و بسیج کل کارگران این شرکت عملا قدرت و صلاحیت اعتصاب را از همان بدو امر در نطفه خفه کرد.

اما آن چه که بیش از هر چیز در جریان این اعتصابات برجسته بود، پوسیدگی و ریاکاری دمکراسی و پارلمانتریزم بورژوازی بود. دولت حافظ طبقه سرمایه دار یکبار دیگر نشان داد که چه قدر قوانین و مجلس اش در کنار پلیس، ارتش و سازمان مخفی اش طبقه کارگر و منفعت و مبارزه آن را نشانه گرفته است. آنجایی که مبارزه و اعتصاب کارگران بتواند ضربه مهلکی به نظام گنبدیده و غیر انسانی سرمایه داری وارد کند، بکارگیری سلاح "قانون بازگشت بکار" ظاهراً بهترین سلاح دولت سرمایه داران بر علیه کارگران در عین حفظ ظاهر سازی

صفحه ۹

اعتصابات کارگری در کانادا یکبار دیگر تقابل دمکراسی با طبقه کارگر

جلیل بهروزی

آور خود هرچه بیشتر بیافزایند. از نظر این طبقه، کارگری که دیگر قادر به کار نیست بدون ارزش مصرف هست. به همین سادگی. حمله به حقوق و مزایای بازنشستگی، حمله به ضعیفترین بخش طبقه کارگر، بخشی که دیگر از سلاح اعتصاب برخوردار نیست، میباشد و از آنجایی که برای کارگر در حال اشتغال موضوع فی الحال نبوده توسط طبقه سرمایه دار و دولتش بسادگی مورد تهاجم قرار میگردد. ولی ما شاهد بودیم که طبقه کارگر در سطح اروپا، یونان و فرانسه بعنوان نمونه های بسیار برجسته آن، در شمال آمریکا همین دو نمونه اخیر و مورد کارگران جنرال موتورز در سال ۲۰۰۹ با حساسیت ویژه ای بدان مواجه شده و جدالهای بزرگی را سازمان دادند.

اعتصاب کارگران هواپیمایی ایرکانادا و کارگران پست در کانادا همچنین نمونه های قدرتمندی از مقابله طبقه کارگر با تهاجم سرمایه داران به سطح معیشت و زندگی خود بود. طبقه سرمایه دار و دولت آن بر بستر بحران عمیق اقتصادی که بدان دچارند در تلاشند که بار بحران نظام خود را بر دوش کارگران خالی کنند. این يك حرکت کلاسیک این طبقه برای پایان دادن به بحرانهای دوره ای خویش میباشد. دو نمونه اخیر نشان داد که در کانادا با قدرت گیری حزب محافظه کار بعنوان حزب اکثریت این تهاجم خیلی آشکار و با تعجیل صورت میگردد. این بار توجیه دولت این است که اعتصاب کارگران ایر کانادا در شرایطی که اقتصاد در حال "رکود" رو به بهبود (ریکواری) است ضربه مهلکی به آن خواهد زد. و در مورد پست نیز مسئله پایین بودن سود آوری این کمپانی را دلیل میاورند. اما کارگران بدون توجه به این توجیهاات فریبکارانه وارد يك جدال

اعتصاب کارگران ایر کانادا در دومین روز خود با تهدید قانون بازگشت بکار وزارت کار مواجه شد و سه روز بیشتر طول نکشید. در نتیجه کارگران با دریافت اضافه حقوق و اصلاحاتی در طرح پیشنهادی کارفرما در رابطه با حقوق بازنشستگی روز جمعه ۱۷ ژوئن به سرکار بازگشتند. و قرار بر این شده که مامور حکمیت وزارت کار مذاکره بر سر حقوق بازنشستگی را نظارت کرده و تعیین تکلیف کند.

جدال کارگران در هر دو مورد اساساً مقابله با تهاجم کارفرما به حقوق بازنشستگی است. سازمان پست کانادا در تلاش است که با ایجاد سیستم استخدامی دوگانه از یکطرف در بین کارگران قدیم و جدید انشفاق ایجاد کند و از طرف دیگر هزینه های حقوق بازنشستگی را تنزل دهد. طرح بر این است که از این پس کارگران استخدامی نه تنها از حقوقهای پایین تری برخوردار بوده بلکه از مستمری بازنشستگی نیز بی بهره خواهند بود. هواپیمای ایر کانادا نیز درصدد است که مستمری بازنشستگی را قطع کرده و بجای آن بازخرید سابقه کار را متداول کند.

تهاجم به حقوق بازنشستگی، تهاجم آشکار به کل طبقه کارگر و آتیه آن است. سرمایه داران در تلاشند کارگری که پس از سالها رنج و تلاش به امید برخورداری از حداقل حقوق بازنشستگی است را بدون هیچ گونه تضمین رفاهی رها کنند تا به سودهای سرسام

آنجا که کارگران به جدال آشکار با سرمایه داران برمیخیزند بورژوازی از تمام سلاحهای خود، از مجلس گرفته تا ارتش و رسانه ها بهره میگیرد تا مبارزه و مقاومت کارگران را درهم شکند. شناخت دمکراسی این طبقه در چنین دوره ای بیش از هر زمانی خود را نشان میدهد.

در ماه ژوئن امسال ما شاهد دو اعتصاب بزرگ و قدرتمند کارگری در کانادا بودیم. اعتصاب کارگران پست سراسری به رهبری اتحادیه CUPW یکی از اتحادیه های با سابقه رادیکال کارگری در کانادا با عضویت ۴۸۰۰۰ کارگر و دیگری اعتصاب ۳۸۰۰ کارگران بخش فروش بلیط و پذیرش هواپیمایی ایر کانادا Air Canada به رهبری اتحادیه CAW.

(ناگفته نماند که بخشهای دیگر هواپیمایی ایر کانادا، خلبانان، خدمه، مکانیکها، باربران و... که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر هستند همزمان در حال مذاکره بوده و احتمال این که به کارگران اعتصابی میپیوستند زیاد بود.)

اعتصاب کارگران پست که بصورت چرخشی و موضعی بود (سه روز در هفته و هر روز در يك شهر و یا يك ناحیه) پس از دوازده روز با لاک اوت (بسته شدن) کمپانی پست توسط مدیریت مقابله شد. دولت در هفته دوم اعتصاب قبل از این که کارفرما اقدام به بستن کمپانی کند، اعلام کرد که لایحه بازگشت به کار را به مجلس خواهد برد و متعاقباً در ۲۱ ژوئن پس از هیجده روز اعتصاب و لاک اوت به این کار دست زد.

جوانان ترکیه بار دیگر به میدان نبرد آمدند

جوانان ترکیه بار دیگر با اتحاد با مردم ستمدیده دیگر کشورها به میدانهای نبرد آمدند و مطالباتشان را طلب نمودند. نوزدهم ژوئن ساعت 19:00 در ادامه ی تحصن سه روزه شان در میدان تاکسیم شهر استانبول در یک اعتراض انترناسیونالیستی و اتحاد با مردم معترض دیگر کشورها در یک روز تظاهراتی از گالاتاسرای به طرف میدان تاکسیم شهر استانبول انجام دادند.

این راهپیمایی با تشویق و همراهی رهگذران مواجه شد و مردم به تشویق جوانان و همصدایی در شعار پرداختند.



جوانان شرکت کننده و سازماندهان این تظاهرات معتقدند که با گسترده تر شدن اینگونه حرکت های اعتراضی و مبارزه بی وقفه میتوانند به مطالباتشان دست یابند. این جوانان میگویند سعی خواهیم کرد هر زمان با اتحاد با مردم معترض و جوانان و زنان مبارز دیگر کشورها اعتراضاتمان را بصورت متحدانه گسترده تر کنیم و تا دستیابی به مطالبات برحقمان هرگز خاموش نخواهیم نشست. یکی از سازمان دهندگان این حرکت میگوید: "مردم ستمدیده جهان باید برای متحقق شدن مطالباتشان در اینگونه حرکتهای اعتراضی اتحاد عمل کنند تا خیزشی عظیم در دنیا بر علیه سرمایه داری صورت گیرد".

این جوانان مطالباتشان را با شعارهایی بر علیه سیستم سرمایه داری، سیستم آموزشی ترکیه، خصوصی سازی مدارس و دانشگاهها و سرکوب دانشجویان طلب نمودند.

نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاد سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

اعتصابات کارگری در کانادا ...

و رعایت دموکراسی است. از یک طرف بخاطر سالها جدال و جانفشانی طبقه کارگر حق اعتصاب در بخشی از کشورهای سرمایه داری از جمله در کانادا "محرز" بوده و از طرف دیگر این حق توسط یک سری قوانین ارتجاعی از جمله "قانون بازگشت بکار" که میتواند بطور موردی توسط مجلس سرمایه داران تصویب شود، کاملاً زیر پا گذاشته میشود.

هر اعتصاب و جدال کارگر برای بهبود شرایط زیست و کار خود مدرسه ای است برای انقلاب اجتماعی و برای آزادی و برابری. اعتصاب کارگران در کانادا از این نظر استثنا نبوده و از این جنبه طبقه کارگر جهانی و کارگران در ایران از آن درسهای ارزنده ای خواهند آموخت. زنده باد اعتصاب، زنده باد انقلاب کارگری!

۲۲ ژوئن ۲۰۱۱

زنده باد

جنبش مجامع عمومی!

زنده باد

شوراهای کارگری!

کارگران! در اعتراضات

جاری به مجمع عمومی

متکی شوید! مجمع

عمومی تجمع طبیعی و

ظرف اعمال اراده

مستقیم و مستمر توده

کارگران است!



شدن سرمایه داران است. ثالثاً و از همه مهمتر برداشت و تلقی کارگران به ستوه آمده اروپایی از اثر بحران اقتصادی و مشاهده ساده سیاستهای یکسان احزاب بورژوازی اعم از سوسیالیستها و محافظه کارها و لیبرالها برای تهاجم به معیشت طبقه کارگر و بقای وضع کنونی، در تعیین مسیر سیاسی و پاسخ به بحران اساسی است. انتخاب آتی در گام سوم انتخاب بین دو قطبی سرمایه داری یا کمونیسم کارگریست. تعبیر سرمایه دارانه و پارلماناریستی از سوسیالیسم نقشی جز سوپاپ اطمینان بورژوازی راست نخواهند بود. سوسیال دمکراسی حتی راه میانمدت سرمایه داری برای ایندوره نیست.

گام سوم اما گامی است بی نهایت سرنوشت ساز. تاریخ مبارزات طبقاتی سرشار است از انقلاب های نافرجام و تعبیر وارونه و بورژوازی از آرمان سوسیالیستی کارگران. آنچه که برای ما در حال حاضر میتواند مسلم باشد، نفرت توده ای طبقه کارگر از عملکرد سرمایه داری و تلاش برای تغییر است. در این مسیر باید موانع یک مبارزه وسیع سوسیالیستی و کمونیستی برطرف گردد. باید احزاب آلترناتیو و جریانات توده ای کارگری آلترناتیو و انقلابی ایجاد شوند. باید روشهایی را پیش گرفت که کارگر و جنبش کمونیستی کارگری اش در صدر آزادیخواهی و برابری طلبی جامعه قرار گیرد. تنها در فقدان این لوازم جنبش رادیکال کارگری کمونیستی است که طبقه کارگر به جناح های کمتر وحشی بورژوازی

با این سرعت در حال پیش روی است. طبعاً برای رسیدن به گام سوم، طبقه کارگر باید مبارزات خود را انکشاف دهد. اما سوال اینجاست: آیا طبقه کارگر در تقابل با کلیت کاپیتالیسم به درست سوسیالیسم را انتخاب خواهد کرد؟ موانع پیش رو کدامند و کدام تبیین بورژوازی از سوسیالیسم و چه اقداماتی میتواند مانع سقوط کاپیتالیسم شود؟ این دو راهی چیست؟

بگذارید نگاهی به مصاحبه مارتین شولتز، رئیس ائتلاف پیشرو سوسیال-دمکرات پارلمان اروپا بیاندازیم. وی در این مصاحبه میگوید:

"باید ضوابط تازه ای وضع کرد. ضوابطی که به طور مستقیم بر روند داد و ستد در بازارهای اروپایی نظارت کند... اروپا برای برون رفت از بحران نیاز به رشد اقتصادی دارد. همچنین باید بخش های زیر بنایی اقتصاد را استحکام بخشید. فکر میکنم یکی از این راه ها برای تقویت توان اقتصادی اروپا افزایش قدرت مالی شهروندان در این قاره است... در این بحران تک تک رهبران اروپایی مقصرند. لذا پیشنهاد من این است که مردم به رهبران احزاب سوسیالیست در انتخابات رای دهند".

اولاً علت بحران اقتصادی را نه تنها نباید در قوانین حاکم بر بازار آزاد و عدم نظارت دولت و اشتباه رهبران اروپایی ندید، بلکه باید علت بحران را در کارکرد های متناقض سرمایه و پروسه انباشت و توقف انباشت سرمایه جستجو کرد. ثانیاً این نسخه فائق آمدن بر بحران نه تنها امکان پذیر نیست بلکه باید پیش فرض هر درجه از رشد اقتصادی در این وانفسای توقف انباشت سرمایه و گرایش نزولی نرخ سود، اگر هم امکان پذیر باشد، بر این گذاشت که توانش را طبقه کارگر بدهد. لذا "افزایش قدرت مالی شهروندان" را تنها میتوان یک عبارت تبلیغاتی و بی معنا استنباط کرد که بیشتر اسم رمز قدرتمندتر

نبرد در اروپا تعمیق می یابد

تحلیلی از اوضاع پیش رو

حامد محمدی

یعنی تشدید بیکاری و فقر و به زبان رایج کارگران در اروپا نداشتن امنیت اجتماعی-اقتصادی.

طبقه کارگر در جدال علیه کاپیتالیسم دو گام مهم و حیاتی برای گذار از چارچوب بسته و منحصر به پارلمان و دمکراسی برداشته است. نفی تمکین به چارچوب های پارلمانی و قوانین بازار آزاد پیش شرطش تحریم احزاب، انتخابات، وارد شدن به سنتهای عمل مستقیم شورائی و اتکا به اعتصابات کارگری بود. این دو عرصه، از بزرگترین دستاوردهای طبقه کارگر در این جدال خواهد بود تا بورژوازی لااقل هر طرح و لایحه ای را برای تحمیل این بحران به هزینه طبقه کارگر بدون شکاف و پرداختن هزینه در پارلمان به پیش نبرد. برداشتن این دو گام از سمت کارگران و توده های انقلابی باعث آن شد تا بورژوازی شکننده تر از آغاز این موج اعتراضی در برابر طبقه کارگر صف ببندد و متقابلاً سنت نقد دمکراسی و معرفی پارلمان نشین ها بعنوان دزدها، افق تازه ای را در مبارزه علیه سرمایه داری گشوده است.

گام سوم بسیار تعیین کننده است. این گام طرح آلترناتیو است. دو گامی که طبقه کارگر آن را طی کرد، مکانیسم محور بود. ابزار لازم و مفید برای این مبارزه را برای طبقه کارگر ترسیم کرد اما نقش عمل و پیروزی علیه کاپیتالیسم را گام سوم تعیین میکند. البته این بدان معنا نخواهد بود که پروسه فروپاشی سرمایه داری

پس از تحریم انتخابات در اسپانیا و کشیده شدن مجدد موج اعتراضات ضد کاپیتالیستی به یونان و فرانسه، طبقه کارگر گامی تعیین کننده و سرنوشت ساز در جدال با سرمایه داری برداشت. اعتصابات کارگری یک عرصه مهم و تعیین کننده در این نبرد خواهد بود که کارگران اروپایی هم اینک آن را به ابزاری برای ایستادن در مقابل بورژوازی تبدیل کرده اند. به این مساله باز می گردیم. پروسه تدریجی گسست کارگران و نسل جدید از هر آلترناتیو و مکانیسمی که به سرمایه داری تمکین خواهد کرد، آنهم در اروپایی که برای دهه های طولانی به "دموکراسی پارلمانی" بعنوان ابزار دخالت در سیاست تمکین کرده بود، قابل پیش بینی بود. به یک دلیل ساده: پذیرفتن هر درجه از بار بحران از منظر بورژوازی به مثابه تعمیق بحران و به طبع آن ورشکستگی بیشتر بانکها و فروپاشی چارچوبهای متعارف برای انباشت سرمایه خواهد بود.

سرمایه داری برای نجات از مهلکه تناقضات درونی اش در این دوره مجبور است تمام بار بحران اقتصادی سرمایه را به طبقه کارگر تحمیل کند. این بحران از منظر منافع سرمایه داری راه حل دیگری ندارد. همینطور بورژوازی نمیتواند بحران را زیادی کش دهد چرا که کل پروسه انباشت سرمایه دچار اختلال جدی شده و طاقت مردم طاق میشود. سرمایه داری که نتواند در دوره ادعائی "رکود تورمی" تمام بار بحران را روی دوش طبقه کارگر بگذارد، نه فقط همواره بحران خواهد داشت بلکه بحرانش تشدید خواهد شد. این از منظر سرمایه داری. اما پذیرفتن بار بحران از منظر طبقه کارگر

گزارشی از گیلان،

لنگرود: دزدی و جنگ باندهای حکومتی!

لیلا احمدی

طی چند روز گذشته، به دنبال اختلافات حاد بین اوباش حکومت اسلامی در لنگرود بر سر سهم خواهی بیشتر از دزدیها و ثروتهای باد آورده، "پور قربان" شهردار لنگرود به طور ناگهانی از کار برکنار و تصدی شهرداری لنگرود موقتاً به معاونش سپرده شده است. از قرار پور قربان میلیاردها تومان از منابع مربوط به نوسازی شهر لنگرود را در غالب دریافت رشوه و اختلاس به جیب زده است. آخوند صدیق نماینده خامنه ای قاتل و امام جمعه لنگرود از همدستان و شرکا و حامیان اصلی پور قربان است. لاهوتی "نماینده لنگرود" هم به همراه حضرات پولهای هنگفتی به جیب زده است.

از قرار معلوم سر برادران کوچکتر در "شورای شهر" بی کلاه مانده است. موسوی و شرکایش در "شورای شهر" فغانشان در آمده و خواسته اند دیگی که برایشان نجوشد سر سگ در آن بجوشد و با افشای دزدیهای پور قربان و امام جمعه مسئله "تعرض به بیت المال" توسط برادران بزرگتر را به مرکز کشانده اند و فعلاً شهر بی "کلانتر" مانده است! پور قربان با تهدید خطاب به شورای فرمایشی شهر گفته است: من برمگردم و هیچ قدرتی نمیتواند مانع برگشتم باشد! صدیق امام جمعه مفتخور لنگرود گفته است: اگر پور قربان برنگردد عمامه و عبایم را پرت میکنم!

آنچه در طی روزهای اخیر در لنگرود اتفاق افتاده تنها گوشه بسیار کوچکی از عمق فساد و دزدی، جنگ باندهای حکومتی و اضمحلال حکومت اسلامی است. این جماعت که اکنون برای سهم خواهی بیشتر از ثروتهای باد آورده همدیگر را می درند، دسته جمعی مسئول کشتار هزاران مخالف سیاسی و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و کمونیست، و مسئول تحمیل ارتجاع و فلاکت و فقر کنونی بر اکثریت مردم ایران اند. اما دیر نیست آن روزی که همه خیل این بیکارگان شکنجه گر و آدمکش به قدرت و به حکم انقلاب سرخ کارگران و زحمتکشان بساط فقر و اختناق شان برچیده و در دادگاههای علنی و عادلانه مردمی به محاکمه کشیده شوند.*

نبرد در اروپا تعمیق می یابد

تحلیلی از اوضاع پیش رو ...

ناچاراً رضایت میدهد. امروز با توجه به وسع شدن نقد دمکراسی بعنوان حکومت بورژواها، رو آوری به قدرت خیابانی و اعتصاب، و ایجاد سازمانهای ابتکار عمل مستقیم توده ای حتی در کشورهای اروپا، سوسیال دمکراسی و جریانات جناح چپ طبقه حاکم شانس زیادی ندارند. اتفاقاً اگر این جریانات میخواهند خود را در صحنه سیاسی نگهدارند باید به چپ بچرخند.

امروز باید هر چه بیشتر مبارزه با بحران و پیامدهای آن بموازات دوری از مبارزات پارلمانی و اتکا به اعتصابات کارگری و تسخیر میدانها پیش برود. این سنت پایه اجتماعی کمونیسم کارگری را متشکل و یا تشکل اش را تسهیل میکند. فقدان احزاب کمونیستی کارگری و ظاهر شدن کارگران بعنوان آلترناتیو دیر یا زود به سوال اساسی تبدیل میشود. امروز اما در فقدان این احزاب و سنتهای کارگری اش، رادیکالیسم اجتماعی بیش از اینکه به سنت کمونیسم کارگری متکی باشد، به سنتهای جهان دو قطبی پیش از نئولیبرالیسم اتکا دارد. اما نقد دمکراسی و ناسیونالیسم که در بسیاری از اعتراضات امروز موج میزند، نقطه پرشهای خوبی برای توده گیر شدن رادیکالیسم کمونیستی کارگری است.

نبرد در اروپا تازه شروع شده است. بورژوازی در اولین قدمها دچار رعشه شده و نیروی پلیس و سرکوب را میداندار کرده است. گامهای بعدی محکم تر، نبردهای آتی عمیق تر، و افق پیروزی بیش از هر زمان جهانی تر خواهد بود. برآستی که جهان نیازمند تغییر رادیکال و ریشه ای است.*

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه

مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون

“خطر” سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

ایران به التحریر نیاز دارد!

پدرام نو اندیش



مضحکه انتخاباتی 88 راه انداخته بودند. با این تفاوت که آخرین دست و پا زدن های پیش از سرنگونی شان را تجربه می کنند و اینکه طی این 2 سال هر آنچه از بیرحمی و جنایت در چنته داشتند بر سر مردم آورده اند. این بار تمام باندها و دستجات جنایت کار رژیم اسلامی در برابر هم صف کشیده و به رو کردن دست همدیگر می پردازند. آمارهای ارائه شده از سوی دستگاه اجرایی حکومت، مبنی بر اشتغال و رشد اقتصادی، همه از سوی باند خامنه ای دروغ و کذب اعلام می شود.

احمد توکلی به غیر منطقی بودن آمار اشتغال از سوی دولت و همچنین نامناسب بودن وضعیت اقتصادی در شهرستان ها اشاره میکند. ضمن یاد آوری نرخ رشد یک درصدی اعلامی از سوی صندوق بین المللی پول در سال 1389 آمار ایجاد اشتغال از سوی وزارت کار را دروغ میخواند. توکلی می پرسد که چرا دولت به دستگاههای تهیه آمار فشار می آورد که ارقام را منتشر نکنند؟ آنسوئر حسین نجابت عضو کمیسیون انرژی مجلس در باره آمار ارائه شده وزارت کار در خصوص اشتغال و میزان بیکاری اعلام می کند که بایستی راستی آزمایی شود و مسئله به تائید مجلس رسانده شود. باهنر میانه میدان را گرفته و خواهان همکاری نمایندگان برای این راستی آزمایی دولت میشود. رضا گل پور صحنه گردانی نامه پراکنی به "لیدرهای جریان انحرافی" را بر عهده میگيرد و به افشای گوشه هایی از سوابق جنایت اسفندیار رحیم مشایی در ایجاد باندهای سرکوب سپاه در شمال و شرکت فعال در راه اندازی انجمن حجثیه و غیره میشود.

این تلاش اخیر دار و دسته خامنه ای مبنی بر دروغ گویی احمدی نژاد حاکی از این است که اگر قرار بر رفتن حکومت جنایتکارشان باشد، بهتر آن است که احمدی نژاد را مسبب اوضاع نابسامان و بحرانی معرفی کرده و با خارج کردن او از صحنه مدتی دیگر را به خیال خود وقت بخرند. از آن سو

خیابان و زندان جنایت می کردند و از سوی دیگر جناح مغلوب سعی در کنترل مردم و به خانه فرستادنشان را داشت.

رادیکال شدن اعتراضات و هدف قرار دادن خامنه ای و نظام اسلامی، شکاف و گسیختگی باندهای حکومتی را تشدید کرد. جناحی که بنای بزرگ و دوزک کردن حکومت را داشت با فشار و تشر خامنه ای و دار و دسته قمه کش احمدی نژاد حذف و به بیرون حکومت رانده شدند. اما با حذف اصلاح طلبان درباری نه شکافها هم آمد و نه جنگ جناح ها تمام شد. چرا که منشا این دعوها اعتراض به اختناق و سرکوب سیاسی، اعتراض به فقر و ناداری، و اعتراض به آیندگی بود. جمهوری اسلامی خواست تنور نمایش انتخابات را گرم کند اما خود داخل تنور افتاد. این جدال ها موید عمیق تر شدن بحران همه جانبه حکومت اسلامی سرمایه داران بود که اینبار حادثتر شده بود و رژیم را در آستانه فروپاشی قرار داد.

افشاگریهای جدید

آمارهایی که تا دیروز برای از میدان بدر کردن رقیب اصلاح طلب، توسط باند احمدی نژاد و خامنه ای، فقط بر روی کاغذ از رشد اشتغال و نداشتن بیکاری و رسیدگی به امور کارگران و مردم را نشان میداد، اکنون توسط همان باند دروغین و یاوه اعلام می شود. بار دیگر سر کرده های حکومت برای از میدان بدر کردن جناح رقیب دست به همان کاری می زنند که در شوهای تلویزیونی پیش از

یکی از خواص جانبی جنگ باندهای رژیم اینست که بخشی از دروغ های تاکتونی شان را برملا میسازد. به همین ترتیب توهامات و شکست تئوری افراد و جریاناتی که جنگ این جانوران اسلامی را درد زایمان متعارف شدن سرمایه داری قلمداد می کردند آشکارتر میشود. جریاناتی که تحلیل و سیاست شان را نه بر اساس واقعیات اجتماعی جامعه ایران بلکه براساس مشتی آمار دروغین ارائه شده از سوی دستگاههای حکومت اسلامی قرار داده اند.

از شوهای تلویزیونی پیش از مضحکه انتخاباتی 1388 تحت عنوان مناظره کاندیداها چندان زمان زیادی نگذشته است. در آن مناظره ها، کاندیدهای باندهای جنایتکار اسلامی پته همدیگر را روی آب ریختند. مردم با گوشه بسیار کوچکی از ابعاد دزدی ها، فساد مالی و خانوادگی، جنایت دسته های لمپن اسلامی، از زبان مجریانش آشنا شدند. اینها برای مردم مسجل بود اما بیانش از زبان حاکمان حاکی از وضع ناجور و شکافهای عمیق درون حکومت بود. جنایتکارانی که پایه های حکومت ننگین شان بر سرکوب خونین انقلاب 57 و قتل عامهای وسیع قرار دادند و طی سه دهه کارگران و ثروتهای جامعه را چاپیدند، اکنون در برابر هم به افشاگری و رسوا کردن همدیگر و تهدید به افشای بیشتر می کردند. این نمایش رسوایی و علنی شدن اختلافات شدید حکومتی وسیعا توده های مردم به جان آمده از اسلام و حکومتش را به خیابانها کشاند. بسرعت چنان زمین زیر پای جانپان اسلامی داغ شد که دو جناح غالب و مغلوب را بر آن داشت که به مقابله با توده های به پاخاسته بپردازند. از یک سو ماشین سرکوب و اوباش در

باند احمدی نژاد نیز اعلام کرده است تمام آمارهایی را که در آن شوهای تلویزیونی سال 88 ارائه داده است، شب پیش از آن با شخص خامنه ای هماهنگ کرده است.

این اوضاع بر نیاز برای پایان دادن به این حکومت تاکید دارد. همه جناح ها و باندهای درون حکومتی سعی بر آن داشته و دارند که مسبب موقعیت بحرانی شان را طرف مقابل نشان دهند. اینها دسته جمعی با حذف یارانه ها سفره های مردم گرسنه را خالی تر از پیش کردند. هزاران کارگر را از کارخانه ها اخراج نمودند. کارخانه های زیادی را تعطیل و کارگزارانشان را با جیب خالی روانه ارتش بیکاران کردند. زنان را هر روز سیبل چماقداری و تجاوز و آزار جنسی و جرمه فرار دادند. سهم بسیاری از کودکان نه یک زندگی انسانی بلکه آوارگی و کار و خیابان خوابی بیشتر بوده است. اما کارگران و محرومان، زنان و جوانان تشنه عدالت و برابری، ماهیت تلاشهای این ددمنشان را به خوبی دریافته اند. همان مقدار که احمدی نژاد در به روز سپاه نشانند آنان نقش داشته است که دیگر عناصر حکومتی چون علی خامنه ای و میر حسین موسوی و مهدی کروبی. تمام دستگاههای حکومتی و ابزارهای سرکوب و تحمیق دینی و مذهبی آن، به عنوان حکومت جمهوری اسلامی، عامل 33 سال بیحقوقی مطلق مردم ایران بوده است. باید کلیت حکومت اسلامی را بزیر کشید.

ایران به التحریر نیاز دارد! *

جلسه خانه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در کلن

جلسه خانه حزب روز شنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۱۱ برگزار میشود

Alte Feuerwache Köln
Melchiorstr. 3
50670 Köln

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس بگیرید:
۰۱۷۷۴۷۷۸۴۸
nasrin_ramzanali@yahoo.com

www.wupiran.org

برای آشنایی با حزب اتحاد کمونیسم کارگری
برای آشنایی با فعالین حزب
برای آشنایی و دسترسی به ادبیات حزب
برای آخرین اخبار و گزارشات
برای آشنایی با فعالیتهای حزب
برای همکاری با حزب
در جلسه خانه حزبی در کلن شرکت کنید!

کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمیرفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت و وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

کارگران آب و فاضلاب اسلام شهر

عیدی پایان سال معوق، حذف سرویس ایاب و ذهاب

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت بیش از ۳ ماه از آغاز سال جدید ۱۵ نفر از کارگران قراردادی اداره آب و فاضلاب اسلام شهر علیرغم اعتراضات و پیگیریهای تاکتونی بعلت کارشکنی و خود داری کارفرما هنوز مبالغ عیدی و برخی پاداش مربوط به سال گذشته را دریافت نکرده اند. در طی این سه ماه گذشته کارفرما با دادن وعده های بی اساس و دروغ امروز و فردا، کارگران معترض را سردوانیده است. حالا با گذشت ۳ ماه از سال جدید عوامل حکومت اسلامی در اداره آب و فاضلاب اسلام شهر با تهدید کارگران به اخراج زیر وعده هایشان زده اند و به کارگران گفته اند: منتظر دریافت عیدی و این چیزها نباشید. بر طبق قانون هیچگونه عیدی و پاداشی به هیچیک از شماها تعلق نمیگیرد!

عوامل کارفرما و پادوهای حکومت اسلامی علاوه بر دزدی و بالا کشیدن عیدی کارگران زحمتکش، اخیراً سرویس ایاب و ذهاب کارگران را نیز حذف نموده و ساعت کاری کارگران را نیز با اعمال اضافه کاری اجباری افزایش داده اند. سابق بر این اکثریت کارگران که محل سکونت شان در تهران است با سرویسی که در مبدأ آرایشگر مستقر بود در محل کار حاضر میشدند اما حالا بخاطر صرفه جویی در هزینه ها! و با حذف سرویس، کارگران مجبورند بعلت دوری مسافت با استفاده از چند کورس تاکسی و اتوبوس و با صرف هزینه های گزاف و کلی مشکلات خود را به اسلام شهر برسانند.

یکی از کارگران میگفت: با انجام اضافه کار ماهیانه مبلغ ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان دریافت میکنم اما حالا با حذف سرویس و این وضعیتی که برایمان درست کرده اند بایستی ماهیانه حداقل ۱۰۰ هزار تومان بابت رفت و برگشت به سر کار بپردازم. این یعنی یک سوم در آمد خانواده ام را باید بابت کرایه

بپردازم. بارها به نبود سرویس اعتراض کرده ایم اما با تهدید میگویند: این پولها مال بیت المال است و امسال سال جهاد اقتصادیست، باید صرفه جویی کنیم. آخرش ما نفهمیدیم چرا همیشه باید کار و صرفه جویی و فقر و بدبختی نصیب ما کارگران و خانواده هایمان باشد و این صرفه جوئی مشمول خیل سرمایه دارن مفتخور و آخوندهای شکمچران و نمایندگان مجلس و وزیر وزرا نمیشود؟

۱۵ نفر کارگر قرار دادی بخش خدمات آب و فاضلاب اسلام شهر با سوابق کاری از یک تا ۷ سال، با قرار دادهای یکطرفه و سفید امضا و دستمزدهای ۳۳۰ هزار تومانی و ساعت کاری از ۸ صبح تا ۵ عصر و اضافه کاری اجباری تا شب و در تعطیلات بدون هیچگونه امنیت و رفاه شغلی در شرایط کاری و بردگی مطلق بسر میبرند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱



حتی امروز ریسمان پوسیده حیات سیاسی شما با جمهوری اسلامی به اصطلاح اصلاح شده بستگی پیدا می کند و امروز شما چیزی جز جناحی ورشکسته از جمهوری اسلامی نیستید. البته در این صف پیشگامانی چون بنی صدر هم هستند. بازرگان هم بود. سحابی هم بود. اما هیچ دادگاهی جنایتکار را بدلیل شکست سیاسی اش نبخشیده است. پینوشه 10 سال از سقوطش گذشت و از تخت قدرت هم پایین آمده بود ولی افکار عمومی دنیا منتظر دادگاهش بود. وضع شما از پینوشه هم بدتر است چرا که هنوز خود را سهیم و عبد و عبید دستگاه خونخوار جمهوری اسلامی می دانید.

علاوه بر این مسئولیت تمام جنایات دوره دو ساله اخیر به عهده شما هم هست. هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که کهریزک و قتل ندا و سهراب و تجاوز و شکنجه از گور جمهوری اسلامی بیرون نمی آید. شما خود را سرباز جمهوری اسلامی و اسلام و مخلص امام می دانید پس باید جوابگوی این جنایات هم باشید. دو راه انتظار شما را میکشد: یا خفقان بگیرید و این ترهات را تحویل مردم و جامعه ندهید یا بیانید و کل جنایاتی که امروز هنوز در تاریخخانه های قتل و عام رژیم اسلامی وجود دارد علنی کنید.

هیچ کس بهتر از امثال شما از چند و چون و ابعاد اعدامها و سر به نیست کردن ها با خبر نیست. با اینکار حداقل در حکم دادگاهی خود می توانید تخطیفی بگیرید! *

یعنی خامنه ای نامه ملتسمانه می نوشتند که کسی تحویلشان هم نگرفت. رفیق دزد و شریک قافله! چطور می توانی هم برای مقتول گریه کنی و برای قاتل نامه فدایت شوم بنویسی و جامعه را تشویق به پیروی از میثاق ولایت فقیه کنی! این هنریست که فقط از شارلاتانهای اسلامی چون میرحسین موسوی بر می آید!

30 خرداد 60 یک برگ از جنایتهای میرحسین موسوی و رژیم مطبوعش یعنی جمهوری خونخوار اسلامی است. به این لیست بلند بالا سرکوب کردستان و ترکمن صحرا و میلیونها کشته و زخمی جنگ (برکت آسمانی خمینی) و سه میلیون تبعیدی را باید اضافه کرد. دعوی میرحسین موسوی و خامنه ای نه بر سر آزادی که بر سر بقای نظام و تقسیم قدرت و ثروت و چاپیدن و استثمار کارگران و شهروندان ایران است. گیریم حرف شما آقای امیر ارجمند درست: میرحسین موسوی از جنایات سیستمی که خودش در راس آن بود خبر نداشت. اما امروز چه؟ امروز هم هنوز خبر ندارد؟ تمام دنیا و سازمانها و احزاب و مردم عادی ابعاد این جنایت را با سند و عکس و فیلم دیده اند. اگر ذره ای به حقیقت گفته خود اعتقاد دارید باید لابد به افشای این مسئله و عاملین این جنایت بپردازید. اما شما میخواهید سر و ته یک نسل کشی فجیع را با یک نمی دانستم و نمی دانست خشک و خالی هم بیاورید و ماستمالی کنید. البته از نقطه بدی شروع کردید و این بی تجربگی شما بود چون الان باید تاروپود رژیم اسلامی را زیر سوال ببرید و قبل از هرچیز با امام منحوسان تعیین تکلیف کنید. اما این شدنی نیست چرا که هویت پلید سیاسی شما با جنایات خمینی و رژیم ضد بشری اش در هم تنیده شده است. خامنه ای و میرحسین و رفسنجانی و ... زاینده و محصول خمینی جلااد هستند. هیچکدام از این ناخصیتهای را نمیتوان بدون یکدیگر معرفی کرد. اگر کسی آیشمن را بدون وابستگی به هیئتلر و هولوکاست توانست تعریف کند شما هم میرحسین و این تیم گرگ را بدون خمینی و کشتارهایی که تا امروز ادامه دارد نمیتوانید تعریف کنید.

میرحسین موسوی یک عامل مسلم قتلهای دهه شصت

پاسخی به امیر ارجمند مشاور موسوی

علی ظاهری

حسین موسوی را از بقیه اوباش اسلامی و آخوند و کمیته چی و سپاهی شخص شایسته تری برای چرخاندن دستگاه جنایت جمهوری اسلامی میدانست و خطاب به میرحسین موسوی در نامه ای می نویسد: تو کارت را بکن هرکس حرفی زد بگو با خمینی طرفی!

همین امروز هم میرحسین موسوی به امام قاتل اش قسم میخورد. پس آقای امیر ارجمند باید دروغتان را گسترده تر کنید و برای نجات میرحسین از محاکمه بگویید خمینی هم از اعدام ها خبر نداشت که آن موقع با دو واکنش بغیر از محاکمه روبرو می شوید: دسته اول تف به هیکتان می اندازند و دسته دوم و همگان خودت شما را به باد خنده و مسخره خواهند گرفت. حقا که در حقه بازی و توجیه جنایت هر کدام از شما جانورها سنگ تمام می گذارید!

میر حسین موسوی چه خواهد چه نخواهد پاسخ جامعه به وی همان پاسخی بود که دانشجویان رادیکال در دوره انتخابات در دانشگاه های شمال به او دادند: رئیس جمهور اعدام های 67! حتی اگر به دوره بعد از انتخابات و مظلوم نمایی این جانیان در برابر جامعه و قصد برای خرید آبرو در مقابل اذهان همگان داشتیم، باز هم امیر ارجمند به مشکل جدی میخورد. از طرفی میرحسین و کروبوی و خاتمی به طرز مزورانه برای بالا بردن اعتبار نداشته اجتماعی به خانواده قربانیان سر می زدند و گل می بردند و اشک دم مشک می ریختند و از طرفی برای باعث و بانی شخص اول این جنایت

امیر ارجمند مشاور میر حسین موسوی، در اقدامی قابل انتظار در آستانه سالگرد 30 خرداد 60 مقطع سرکوب خونین و تاریخی جمهوری اسلامی، در نشریات گفته است که میرحسین موسوی از این اعدامها خبر نداشت!

اولا باید به امیر ارجمند بگوئیم جستجوی شرافت و حقیقت جوئی در انبان ارتجاع اسلامی شما کاری بیهوده است. این دروغ کثیف را قبلا خامنه ای هم گفته بود. در خاطرات منتظری آمده بود که وقتی در دیدار خصوصی منتظری به خامنه ای از اعدامها خبر میدهد خامنه ای ابراز بی اطلاعی میکند. در ابعادی دیگر صدام هم در دادگاههای محاکماتش جنایاتش را منکر شد. آیشمن هم در اتاق شیشه ای تل آویو چنین ادله ای را آورد که خبر نداشتیم. امیر ارجمند میخواهد امروز برای جنایتی که خودش و کل جمهوری اسلامی در آن شریک بوده اند رنگ بی خیری بپاشد. شاید امروز جوانان کم سن و سال آنروزها را بیاد نیآورند اما آرشبو روزنامه ها پاک شدنی نیست:

میر حسین موسوی در ماه آذر سال 1367 در پاسخ به سازمان عفو بین الملل گفت: **زندانیان قصد طغیان و شورش داشته اند ما باید توطئه را نابود می کردیم در این زمینه هیچ بخششی نداریم.**

فاکت تاریخی بالا نشان می دهد که نه تنها میرحسین موسوی خیر داشته بلکه توان بخشش و اجرای حکم را هم داشته است که با بی رحمی اسلامی اش دستور به قتل و عام زندانیان سیاسی می دهد. در ثانی در همان سالهای خونین شصت خود خمینی جلااد میر

آکسیونهای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی

علیه جنایات رژیم در ۳۰ خرداد



به فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری آکسیونهایی در روزهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ ژوئن در گوتنبرگ سوئد، آمستردام هلند و تورنتو کانادا برگزار شد.

هلند

روز ۱۸ ژوئن گردهمایی ای در میدان بورس شهر آمستردام با شرکت برخی دیگر از نیروهای اپوزیسیون برگزار شد. در این تجمع مجید پستانچی، عضو کمیته مرکزی حزب اطلاعیه حزب را قرائت کرد و علی طاهری، کادر حزب، پیرامون جنایات رژیم اسلامی در ۳۰ خرداد خطاب به تجمع سخنرانی کرد. در طول آکسیون اعتراضی، دهها اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری به زبان فارسی و انگلیسی در میان مردم پخش شد و کمک مالی جمع آوری شد. چادر اطلاعاتی حزب در میدان مورد توجه بسیاری قرار گرفت. عابرین با ادبیات حزب آشنا شدند. برای دیدن فیلم این تجمع اعتراضی به سایت حزب اتحاد کمونیسم کارگری مراجعه کنید.

سوئد

روز ۱۸ ژوئن به فراخوان واحد گوتنبرگ حزب اتحاد کمونیسم کارگری دهها نفر از انسانهای سوسیالیست، آزادیخواه و برابری طلب در مرکز شهر گوتنبرگ سوئد تجمع کردند تا یکبار دیگر یادآور قتل عام ۳۰ خرداد سال ۶۰ تا سال ۶۷ باشند. این آکسیون با سخنرانی کریم نوری- عضو کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری شروع شد. شرکت کنندگان با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر رژیم تروریستی اسلامی ایران، سفارتخانه های رژیم محل تجمع تروریستهای اسلامی است و زندانی سیاسی آزادی باید گردد

در زیر باران شدید آنروز توانستند صدای مردم ایران را به گوش رهگذران برسانند. همچنین تعدادی از شرکت کنندگان آکسیون ضمن سخنرانی خود پرده از ۳۲ سال جنایات سیستماتیک رژیم اسلامی برداشته به صحبت با رهگذران و پخش اطلاعیه های حزبی به مدت ۲ ساعت به جمع خود ادامه دادند. کریم نوری ضمن سخنرانی خود بارها به جنایات رژیم در تاریخ ۳۰ خرداد سال ۶۰ تا به امروز اشاره کرد و از مردم گوتنبرگ دعوت کرد که در دفاع از مبارزات کارگران، زنان، جوانان و میلیونها انسانی که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند به ماشاات دولت سوئد با رژیم صد هزار اعدام اعتراض کنند. آکسیون با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی ایران پایان یافت.

کانادا

روز ۲۰ ژوئن آکسیون اعتراضی در مرکز ایتون در شهر تورنتو برگزار شد. در این تجمع اطلاعیه های حزب در میان مردم وسیعا پخش شد. باندرونها و پلاکارد های حزب در محل توجه عابرین را جلب کرد. جلیل بهروزی، محمود احمدی و فخری جواهری اعضای کمیته مرکزی حزب خطاب به مردم در افشای رژیم اسلامی سخنرانی کردند. برای دیدن فیلم این تجمع اعتراضی به لینک زیر مراجعه کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=VMiomPs5PgQ>

کمیته خارج حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ ژوئن ۲۰۱۱



کارگران کارخانه مزدا

اخراج، دستمزدهای معوق، قطع مزایا ادامه دارد!

در اطلاعیه قبلی مورخ 13/3/90 اعلام نمودیم 8 نفر از کارگران بی هیچ عذر موجهی از جانب کارفرما از کار اخراج شده اند. بی آنکه حتی دستمزدهای معوقشان را نیز دریافت نموده باشند. علاوه بر این 800 نفر از کارگران دستمزدهای اردیبهشت ماه را نیز دریافت نکرده اند. اما با اینحال گستاخی و تعرض سرمایه داران نو کیسه امروز و پاسدار کمیته چپهای آدمکش دیروز به زندگی و معیشت کارگران برای کسب سود بیشتر همچنان ادامه دارد.

در چند روز گذشته 4 نفر دیگر از کارگران معترض، که سابقه کار 2 تا 10 سال دارند، به دستور "صفوی" مدیر کارخانه از کار اخراج شده اند. جرم کارگران اخراجی اعتراض به کار در روزهای جمعه و ایام تعطیل بوده است. کارگران نسبت به شرایط و استئمار وحشیانه کار و زندگی در فقر و فلاکت معترض اند. صفوی با پر رویی گفته است: من حوصله و وقت برای چانه زدن با این کارگران را ندارم، اینها الگوی بدی هم برای دیگر کارگران هستند! شرایط کار در اینجا همین است، این کارگران به درد اینجا نمیخورند! 4 نفر کارگر اخراجی هنوز بخشهایی از دستمزدهای معوق خود را نیز دریافت نکرده اند، کارگران اخراجی مابین اداره کار مزدور حکومت اسلامی سرمایه داران و در پشت درب بسته کارخانه به دنبال دستمزدهای معوق و حقوق انسانی لگد مال شده خود میباشند.

علاوه بر این امروز یکم تیر ماه نیز ریالی از دستمزدهای خرداد ماه کارگران به حسابشان واریز نشد. در جواب اعتراض کارگران به عدم واریز دستمزدهای خرداد ماه برخی از عوامل حسابداری کارخانه به کارگران گفته اند برای دستمزدهایتان عجله نکنید، فعلا خبری نیست، اوضاع مالی خراب است و هیچ معلوم نیست کی و چگونه دستمزدهایتان را بپردازیم. علاوه بر اخراج و عدم پرداخت دستمزدها، مبلغ 120 هزار تومان مربوط به کمک هزینه خوار و بار را که هر 3 ماه یکبار به حساب کارگران واریز میشد قطع نموده اند. عوامل کارفرما در جواب اعتراض کارگران به این زدی آشکارا گفته اند: بودجه نداریم و کسی در انتظار دریافت کمک هزینه خوار و بار هم نباشد!

تشدید تعرض به زندگی و معیشت کارگران، سرشکن نمودن و انتقال ضرر و زیان سرمایه به زندگی کارگران و زحمتکشان در دوران بحران ماهیت و سیاست محوری نظام سرمایه داری است. کارگران هیچگاه در سودهای نجومی سرمایه داران در دوران رونق شریک نبوده اند که امروز بخواهند شریک ضرر و زیان سرمایه داران طفیلی و مفتخور و حکومتهای نوکر باشند.

5 روز 6 ساعته کاری در هفته، بازگشت به کار فوری و بیقید و شرط کارگران اخراجی و تامین امنیت شغلی، دریافت فوری دستمزدهای معوق، افزایش دستمزدها مطابق با تورم و گرانی، بهداشت و آموزش و درمان رایگان، دریافت بیمه بیکاری مکفی، حق آزادی برپایی هر گونه اعتصاب و اعتراض و تشکل و... اینها بخشی از خواسته های ابتدایی کارگران کارخانه مزدا و دیگر کارگران است که امروز تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی سرمایه لگدمال شده است.

کارخانه خودرو سازی مزدا واقع در جاده قدیم کرج با بیش از 2000 نفر کارگر قرار دادی با قرار دادهای 6 و 9 ماهه و دستمزدهای 330 هزار تومانی و 2 شیفت کاری 12 ساعته و قسمت رنگ با سه شیفت 8 ساعته شبانه روزی کار، سازنده انواع خودرو سواری و وانت مزدا میباشد. چهل درصد کارخانه در مالکیت سپاه پاسداران حکومت اسلامی و شصت درصد سهام کارخانه متعلق به سران اوباش و جنایتکار حکومت اسلامی است. محسن رضایی، پاسدار چاقوکش و از سرکردگان حکومت جهل و جنایت اسلامی یکی از سهامداران اصلی کارخانه مزدا میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱ تیر ۱۳۹۰ - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!